



### دبیر شورای هنر: صداوسیما دیگر نباید جلوی سازگلدان بگذارد



#### دومین رئیس جمهوری: دولت مستعجل

دوران ریاست جمهوری محمدعلی رجایی چنان کوتاه بود که کار به تعامل با مجلس نکشید. هر چند معرفی دکتر محمدجواد باهنر به عنوان نخست‌وزیر در حالی که دبیر کل حزب جمهوری اسلامی و دوست ۲۰ ساله او بود، می‌توانست یک دوره همکاری بین رئیس جمهوری، نخست‌وزیر و مجلس را رقم زند و انفجار ۸ شهریور ۱۳۶۰ این فرصت را ستاند. با این حال همان روزی که خبر خروج پنهانی رئیس جمهوری سابق از کشور منتشر شد صادق خلغالی بر جای خرد گرفت که مشخص نیست ایشان رئیس جمهوری است یا نخست‌وزیر تا سوال کنیم و این یعنی سیاست در ایران همیشه تقسیم بر دو است و مجلس و دولت با همه نزدیکی جاهایی شاید با هم دچار اصطکاک می‌شوند.

#### سومین رئیس جمهوری: رد نخست‌وزیر پیشنهادی

سومین رئیس جمهوری ایران هم مانند نخست‌وزیر شهید دبیرکل حزب جمهوری اسلامی بود و حدس زده می‌شد نمایندگان مجلسی که اکثریت آن با اعضای حزب بود و در فضای بعد از هشتم شهریور به نخست‌وزیر پیشنهادی -علی اکبر ولایتی- رأی اعتماد دهند. این اتفاق اما نیفتاد چون سید محمد خاتمی نماینده اردکان و نماینده امام در کیهان که به دوستی نزدیک با سید احمد خمینی شهرت داشت علم مخالفت با گزینه پیشنهادی را برداشت و در پی آن بحث‌های دیگری در گرفت که مانع از نخست‌وزیری دکتر ولایتی شد و رئیس جمهوری (ایالت‌الله خاتمی) گزینه مورد نظر جناح چپ حزب و مجلس - میر حسین موسوی - را معرفی کرد. دولت اول او هم وزیر راست داشت (احمد توکل، عسگر اولادی، ولایتی، پرورش) و هم وزیر چپ (پهژاد نبوی، محمد سلامتی). در دولت دوم شمار وزیران راست‌گرا کم شد و اختلاف رئیس جمهوری بیشتر با نخست‌وزیر بود تا مجلس خاصه بر سر اینکه وزیران استعفا ای خود را بیاید تسلیم رئیس جمهوری کنند یا نخست‌وزیر و سرانجام خود میر حسین موسوی هم در شهریور ۶۷ استعفا کرد که با نظر امام به کار بازگشت. حمایت صریح و مؤکد امام خمینی از دولت موسوی و وضعیت جنگی کشور و حضور هاشمی‌فستجانی در رأس مجلس در حالی که عملاً مرد شماره دو کشور بود خطری را از ناحیه مجلس متوجه دولت نمی‌کرد و وزیران معمولاً از کمنداستیضاح‌ها همی‌چستند.

#### هفتمین رئیس جمهوری و دو مجلس متفاوت

حسن روحانی هم مثل اسلاف خود با دو مجلس سر و کار داشت. یکی اگر چه با نمایندگانی مخالف ولی رئیس متحد او بود و به لطف همان اتحاد و توصیه از فرادست توافق بر جام طی ۲۰ دقیقه تصویب شد. مجلس بعدی که سال ۹۴ شکل گرفت طبعاً همراه تر بود ولی او هم مثل خاتمی دریافت همراهی مجلس کافی نیست کما اینکه پیوستن ایران به اف‌تی اف را مجلس تصویب کرد و در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت که دیگر هاشمی‌فستجانی بالای سر آن نبود گیر کرد. همان بلایی که بر سر خاتمی و در سال آخر و از جانب مجلسیان آمد اما بر سر روحانی هم آمد و مجلس جدید در ۱۱ آذر ۱۳۹۹ قانونی تصویب کرد که دست او را در احیای برجام در پوست گردومی گذاشت. مهمترین تخصص اصول‌گرایان رادیکال ایرانی در مقابل رئیسان جمهور اصلاح طلب با اعتدال‌گرا همین است که دست آنها را در پوست گردو بگذارند. یک مجلس با ثبیت قیمت‌ها علیه خاتمی و دیگری با اقدامات راهبردی علیه روحانی. در این فتره اخیر امید روحانی این بود که شورای عالی امنیت ملی همراهی نکند اما علی شمخانی چنین نکرد و اگر این روزها می‌خوانیم روحانی تا چه اندازه از دبیر منصوب خود که بر جای او هم نشست دل خور است به خاطر موضع او در قبال این قانون هم هست.

#### چهارمین رئیس جمهوری و حذف نخست‌وزیر

با بازنگری در قانون اساسی سمت نخست‌وزیر حذف شد و رئیس جمهوری در جای رئیس دولت هم نشست. کابینه اول هاشمی‌فستجانی مشکلی برای اخذ رأی اعتماد نداشت. روابط او با رهبری و نفوذ در مجلس -ولو با گرایش به چپ- کار او را آسان کرده بود. تنها خواست مجلس سوم از رئیس جمهوری ابفای محتشمی‌پور برای وزارت کشور بود ولی چپ‌تر از آن بود که در دولت سازندگی جایی داشته باشد خاصه اینکه از مخالفان جدی هاشمی در مجمع روحانیون بود. به جای او عبدالله نوری را معرفی کرد و شگفتا که هر چه گذشت محتشمی‌پور محافظه کار تر شد و نوری رادیکال تر. مشکل اصلی هاشمی با مجلس چهارم بود در حالی که می‌پنداشت با حذف جناح چپ با او همراهی خواهند کرد و به عکس سیاست تعدیل را عملاً تعطیل کردند و محسن نوربخش را از همراهی با کابینه بازداشتند و رئیس جمهور هم در واکنش او را به معاونت اقتصادی گماشت؛ سمتی که تا پیش از آن وجود نداشت.

#### هشتمین رئیس جمهوری و دوران خالص سازی

نیاز به توضیح نیست که ابراهیم رئیسی مشکلی با مجلسی نداشت که محمدباقر قالیباف متحد او در انتخابات ۹۶ بر صدر آن نشسته و خود در پی ردصلاحیت رئیس سه دوره مجلس جمهوری اسلامی به ریاست جمهوری رسیده بود. نمایندگانی که پیشاپیش از او حمایت کرده بودند و مجلس و دولت در هم تنیدند!

#### نهمین رئیس جمهوری و تجربه گذشته

مسعود پزشکیان با این تجربه نمی‌خواهد پشت سد مجلس بماند. اگر هر ۱۹ وزیر رأی بیاورند تا تکتیک او درست بوده اما اگر قرار بر حذف موجه‌ترها باشد قطعاً سیاست خود در قبال مجلس اقلیت را تغییر می‌دهد. چرا که این مجلس تنها با نتاب‌دهنده آرای ۲۰ درصد مردم ایران است و پزشکیان می‌خواهد و دو قده دل نماینده همه باشد.

#### پنجمین رئیس جمهوری و مجلس تحت ریاست رقیب

اگر ناطق نوری شرط رفاقت به جا نیاورده بود مجلس تحت ریاست او باید چسوب لای چرخ دولت خاتمی می‌گذاشت اما این اتفاق نیفتاد و به جز مورد عبدالله نوری با وزیر سرش خراش نشدند و حتی عطاء‌الله مهاجرانی پس

## عدالت به وقت لاهه

نگاهی به رای دادگاه هلندی درباره‌ی مصدومان شیمیایی ایرانی

#### آرش ملکی

پژوهشگر دکتری حقوق  
بین‌الملل

مطلع می‌بودند. در قبال آسیب‌های وارده مسئولیت دارند. شرکت فورافینا بدون ارائه هیچ دفاعی از حضور در دادرسی خودداری کرد. اما شرکت آئی‌جی‌ای ایران ادعا نمود که با این ذهنیت مواد اولیه را به عراق ارسال داشته که در آفت‌زدایی و تولید پلاستیک از آنها استفاده می‌شود. این پاسخ از سوی دادگاه پذیرفته و مدعی خواهان ایرانی در قبال این شرکت مردود اعلام شد. دادگاه با استناد به قانون هلند که در زمان وقوع شبه‌جرم، قانون محل وقوع را قابل اجرا می‌داند اعلام نمود که با توجه به استفاده از گاز خردل در خاک ایران، در این مورد قانون ایران قابل اجرا است. در نهایت ذیل بندهای ۲ و ۳ از پاراگراف ۶ از رای صادره شرکت فورافینا مرتکب اعمال غیرقانونی اعلام و به جبران خسارت محکوم شد. (میزان غرامت در حال حاضر توسط دادگاه در حال ارزیابی است) همچنین، این شرکت باید پرداخت هزینه‌های دادرسی را نیز متحمل شود. شایان ذکر است در این پرونده وکالت طرف ایرانی به وکیل هلندی، خانم لیزبت زخولده (متخصص در حقوق توسل به زور) سپرده شده بود که در پرونده فن اثبات نیز وکیل مصدومان شیمیایی ایرانی بود.

نکته‌ای که نباید فراموش کنیم این است که این محکومیت در پرتو عدم حضور شرکت فورافینا در جریان دادرسی حاصل شده و در جایی که خواننده (شرکت آئی‌جی‌ای ایران) به دفاع از خود پرداخته، ایران موفق به اثبات ادعای خود نشده. شاید اگر شرکت فورافینا نیز به دفاع از خود می‌پرداخت، نتیجه این دادرسی متفاوت بود. لذا شایان توجه است که به‌رغم حقانیت مصدومان شیمیایی ایرانی، دادخواهی و احقاق حق در چنین پرونده‌هایی به واسطه پیچیدگی‌های مربوط به طرح مسئولیت شرکت‌های تأمین‌کننده به هیچ وجه ساده نیست و اهتمام کارشناسان حقوقی زبده را می‌طلبد. در عین حال، با توجه به نقشی که ادله معتبر- همچون گزارش‌های رسمی نهادهای بی طرف- در این دادرسی‌ها قادر به ایفا هستند، مشارکت نهادهای دولتی در گردآوری ادله نیز می‌تواند به شکلی تعیین‌کننده مفید واقع شود. در مجموع می‌توان چنین نظر داد که در پرتو حقانیت محض مصدومان حملات شیمیایی، دادخواهی مستقل در محاکم محل استقرار شرکت‌های تأمین‌کننده تسلیحات شیمیایی برای عراق، مشروط به استراحتی حقوقی قوی و تأمین ادله از شانس موفقیت برخوردار است. هر چند نباید از هزینه‌های بالای سفر به کشورهای اروپایی و دریافت خدمات حقوقی از کارشناسان ذی‌صلاح نیز غافل شد که شاید مهمترین چالش پیش‌روی دادخواهان در این مسیر باشد. امید است این چالش نیز با مشارکت نهادهای مدنی مرتفع شود.

استفاده از تسلیحات شیمیایی به واسطه آثار انسانی ناگوار آن در حقوق بین‌الملل ذیل اسناد بین‌المللی ممنوع اعلام شده. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز از ممنوعیت را یک هنجار حقوق بین‌الملل عرفی برمی‌شمارد. به‌رغم این عهده مسلم، عراق در جریان جنگ هشت‌ساله به‌طور مکرر با سلاح شیمیایی رزمندگان و در مواردی غیرنظامیان ایرانی را هدف قرار داد. با ختم جنگ، رابطه خصمانه دولتی ایران و عراق به پایان رسید اما پیامدهای انسانی استفاده از تسلیحات شیمیایی همچنان تداوم دارد. روزی نیست که مصدومان شیمیایی در ایران از رهگذر آن تجربه دهشتناک، متحمل رنج نشوند. این مسئله در ایران در زمره مسائل اجتماعی حل‌نشده‌ای است که همچنان افکار عمومی در قبال آن به جمع‌بندی نرسیده. دلیل این امر چیزی جز اجراض عدالت نیست. به بیان دیگر، محاکمه و مجازات عادلانه عاملان حملات شیمیایی و جبران خسارت از مصدومان این حملات در فرض وقوع، تشریف‌آلام این مصدومان را سبب خواهد شد. با این وصف تا پیش از سال ۲۰۲۳، جز در یک مورد (پرونده فن اثبات) نمونه‌ای از دادرسی مؤثر به‌منظور احقاق حقوق مصدومان شیمیایی ایرانی صورت گرفته بود. به تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۲۳ دادگاه منطقه‌ای لاهه (هلند) در پرونده دادخواهی پنج مصدوم شیمیایی ایران علیه شرکت سرمایه‌گذاری فورافینا (Forafina Beleggingen) و شرکت آئی‌جی‌ای ایران (OTJIAHA) به صدور رای مبادرت ورزید که دومین مورد از احکامی است که در موضوع حقوق مصدومان شیمیایی ایرانی صادر شده. اسناد ارجمند جناب آقای دکتر ستار عزیزبی در گفت‌وگوی انتشار یافته در شماره ۵۶۹ روزنامه هم‌میبهن به فرازهایی از این رای اشاره داشتند. در ذیل نیز به جزئیاتی از این رای می‌پردازم.

در این دادرسی طرف ایرانی ادعا نمود که رژیم صدام در فاصله سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ در سومار، جفیر و آبادان علیه آنها از گاز خردل استفاده نمود که مواد اولیه آن توسط دو شرکت فورافینا و آئی‌جی‌ای ایران تأمین شده بود. از آنجا که این شرکت‌ها از استفاده عراق از این گاز به‌منظور نقض قاعده ممنوعیت مطلع بوده‌اند- یا باید

نرسیدن به این نقطه انفجار است.

حسین موسویان، دیپلمات پیشین و محقق دانشگاه پرینستون در گاردین نوشت: اسرائیل با هدف آشکار کشاندن ایالات متحده به جنگ با ایران، این ترور را انجام داد. نوع پاسخ ایران تعیین خواهد کرد که آیا ایالات متحده وارد درگیری می‌شود یا خیر. رئیس‌جمهور باید انتظار ندارد که ایران در صورت دستیابی به توافق برای پایان دادن به جنگ در غزه، به حمله تلافی‌جویانه علیه اسرائیل دست بزند، اما او با فروش ۲۰ میلیارد دلار سلاح به اسرائیل، یکی از بزرگترین بسته‌های نظامی از زمان آغاز جنگ غزه، به این روند کمک نکرده است.»

احمد زیدآبادی، تحلیلگر سیاسی در کانال تلگرام خود نوشت: «مذاکرات آتش‌بس بین اسرائیل و حماس، چه با موفقیت روبه‌رو شود و چه شکست بخورد، در هر دو حال، با خارمیانه متفاوتی روبه‌رو خواهیم شد. توافق در مورد آتش‌بس به معنای دوره‌ای از آرامش و مدیریت اوضاع از طریق دیپلماسی خواهد بود و عدم توافق، خطری یک جنگ گسترده را از بیخ گوش‌مان نیز به‌مانندیکتر خواهد کرد!»

صابر گل‌عبیدی، کارشناس مسائل فلسطین نیز در یادداشتی تلگرامی نوشت: «بعید نیست مذاکرات به دلایلی کث پیدا کنند و در نهایت در صورت شکست آن، به احتمال زیاد حزب الله و ایران حملات تلافی‌جویانه خود را انجام دهند. سطح، دامنه و شدت آن فراتر از قبل، ترجیحاً تابع برآورد نهایی تهران نسبت به جدی بودن یا نبودن مداخله آمریکا خواهد بود. اگر جمع‌بندی این باشد که نگرانی آمریکا از امنیت انرژی در منطقه و متحدانش و خروج اوضاع از کنترل مانع مداخله آن می‌شود، ممکن است پاسخ احتمالی شدیدتر از قبل باشد. نگرانی همه طرف‌ها از ایران و حزب الله گرفته تا اسرائیل و آمریکا و متحدانش نسبت به تبعات ویرانگر جنگ منطقه‌ای تا به امروز باورآزنده وقوع آن بوده است. از این رو، در هر صورت، نظر به نبود تصمیم و اراده پیشینی احتمال وقوع چنین جنگی بالا نیست؛ البته کاملاً آرزین منفی نیست.»